

عوامل و موانع جذب مردم به ویژه جوانان و نوجوانان به مسجد

عفت منصوریان

چکیده

مکتب تربیتی اسلام از امتیازی بس بزرگ بهره دارد و آن ساختن الگوهای تربیتی مبتنی بر اصول مکتب است.

در اسلام، هم انسان آینده‌آل و هم جامعه‌ی آینده‌آل هر دو مَحَقَّق شده‌اند. در تاریخ اسلام، مساجد یگانه مکان عبادت نبود، بل نخستین مرکز تعلیم و تربیت مسلمانان نیز به شمار می‌آمد.

مساجد عبارت از محل‌هایی است که مسلمانان در آنجا به عبادت و پرستش خدا می‌پردازند.

لغت دیگر برای مسجد کلمه‌ی «جامع» است که از کلمه جمع شدن مشتق شده است، لذا مسجد علاوه بر محل عبادت، همیشه به صورت مرکزی برای اجتماعات تعبیه شده است.

هم چنین مسجد فقط مکان عبادت نیست و به طور جامع محلی برای مقاصد آموزشی مطرح بوده است و به مرور زمان مرکز سازماندهی و برنامه‌ریزی امور مسلمین و به عنوان کانون فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و غیره محسوب شده است.

کارکردهای پرفراز و نشیب طول تاریخ مسجد را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد: کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و عبادی.

امروزه با توجه به تخصصی شدن جامعه، بخش اعظم این کارکردها از قبیل کارکردهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برعهده نهادهای تخصصی گذاشته شده است.

در تعریف جدید از کارکردهای مسجد در باره‌ی جوانان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - کارکرد آموزشی که با راه‌اندازی کلاس‌های آموزشی در رشته‌های گوناگون درصدد تحقق آن هستند.

۲ - کارکرد تفریحی در چارچوب برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی.

۳ - کارکرد دینی با برگزاری مراسم گوناگون مذهبی.

مساجد در کنار کارکردهای معنوی، سیاسی و فرهنگی متناسب با شرایط هر دوره و در حد توان خود خدمات اقتصادی و رفاهی نیز داشته‌اند.

بعضی از خدمات مذکور شکل دائمی و مستمر داشته‌اند.

کارکردهایی را معمولاً کارکردهای پنهان می‌نامند. مثلاً مساجد در ارضای نیاز به تعلق یا نیاز به مورد علاقه و تأیید و احترام دیگران بودن، کارکرد دارند.

از همین روست که گفته می‌شود مساجد در ارضای نیاز تعلق، نقشی مهم ایفا می‌کنند.

۱ - مقطعی بودن بعضی از نیازهایی که مسجد در دوره‌ی رونق خود پاسخ‌گوی آنها بوده است.

۲ - تغییر در تعادل نیازی یا ارزشی مردم به گونه‌ای که در برابر نیازهای متعالی و جمعی که مسجد عهده‌دار پاسخ‌گویی به آنها بوده است، احساس کمبود نمی‌کرده‌اند.

۳ - ترجیح مردم به ارضای نیازهای فرهنگی، معنوی، سیاسی و رفاهی خود به طریقی غیر از حضور در مسجد به علت توانایی‌های مسجد یا پیدایی نهادها و سازمان‌های جانشین.

در دوره‌های خاصی مساجد پاسخ‌گوی نیازهایی بوده‌اند که اکنون یا آن نیازها رفع شده‌اند، یا میزان آنها کاهش یافته است.

بالا رفتن سطح انتظار اگر انگیزه‌های متعالی و جمعی را به سود

انگیزه‌های رفاهی ضعیف می‌نماید، فرقی با پدیده فقر ندارد. پدیده‌های دیگری مانند هجوم فرهنگی بیگانگان و نارسایی‌های موجود در عملکرد نهادهای فرهنگی و تبلیغی نیز در تغییر تعادل نیازی و ارزشی افراد مؤثر بوده.

دگرگونی در شیوه‌ی ارضای نیازهایی که مسجد عهده‌دار آنها بوده است، موجب کاهش حضور آنها در مسجد خواهد بود که منشأ ترجیح مذکور دو چیز است:

- پیدایی سازمان‌های جای‌گزین؛

- کاهش توان کارکردی مسجد و رفع آن.

کارگزاران بسیاری از مساجد و به ویژه ائمه جماعات از توانایی‌ها و شایستگی‌هایی که لازمه ایفای مسؤولیت‌شان بوده است، آگاهی به مقتضیات زمان است.

با اجرای سخنرانی‌ها و برنامه‌های یکنواخت و فاقد نوآوری، بی‌التفاتی به پاسخ‌گویی اصولی به پرستش‌ها و ابهامات، دخیل دانستن آنها در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، نبود سعی صدر، بلند نظری و جامع‌نگری در میان بسیاری از کارگزاران مساجد. رفتاری احترام‌آمیز و بزرگوارانانه داشته باشند. کارگزاران مسجد باید از دامن زدن به اختلافاتی که میان گروه‌ها و جناح معتقد به اسلام و نظام وجود دارد پرهیز کند.

با تنگ نظری‌ها، گروه بازی‌ها و بی‌درایتی‌ها، رفتارهای حاکی از فقدان صداقت، ناخالصی و بی‌تقوایی،

مسجد نمونه

ابعاد فرهنگی مسجد نمونه

افزودن جاذبه‌ی مسجد و برگزاری اردوهای سیاحتی مؤثرترین عامل در افزایش توان کارکردی مسجد، یاری خواستن از امامان جماعت شایسته، کارآمد، با خلوص ارتباط صمیمی با گروه‌ها مردم و آشنا به شیوه‌های مؤثر تبلیغ است.

مکتب تربیتی اسلام از امتیازی بس بزرگ بهره مند است و آن ساختن الگوهای تربیتی مبتنی بر اصول مکتب است. یعنی مکتب مجسمی که هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی کمال پیدا کرده است. در اسلام هم انسان ایده‌آل و هم جامعه‌ی ایده‌آل هر دو محقق شده‌اند. در تاریخ اسلام، مساجد فقط جای عبادت نبود، بل نخستین مرکز تعلیم و تربیت مسلمانان نیز به‌شمار می‌آمد، از این رو در زمان حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله قسمت‌هایی از قرآن که به صورت‌های متفرق نوشته می‌شود در مسجد ضبط می‌گردید تا همواره مورد استفاده مسلمانان و اهل علم قرار بگیرد.

مقدمه

کلمه‌ی مسجد در زبان عربی از سجده کردن گرفته شده است که در عبادت و نماز، از برای احترام به خدا سجده و تعظیم می‌کنند. به این ترتیب مساجد عبارت از محل‌هایی است که مسلمانان در آنجا به عبادت و پرستش خدا می‌پردازند، قرآن می‌گویند:

«مساجد محل‌هایی هستند که خدا به احداث آنها اجازه داده تا نام او در

آن مساجد بیان شود».

عموماً تمامی ادیان مکانی ویژه برای نیایش با خدای خود تعریف کرده‌اند، نظیر کلیسا در دین مسیح و آتشکده در دین زرتشت، معبد در آئین بودا و غیره واژه‌ی دیگر برای مسجد کلمه‌ی «جامع» است که از کلمه‌ی جمع شدن مشتق شده است، لذا مسجد علاوه بر محل عبادت، همیشه به عنوان مرکزی برای اجتماعات به کار رفته است که مسلمانان در آنجا برای منظورهایی غیر از عبادت نیز جمع آمده‌اند که حتی در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مساجد علاوه بر وظیفه مرکزیت مذهبی، محلی برای امور سیاسی نیز بود. علاوه براین، مساجد به صورت محلی برای قضاوت و دادخواهی، بحث‌های عمومی و استراحت مسافران و بینوایان نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت و به یک چهار دیواری و محراب ختم نمی‌شد و نهایتاً مسجد فقط جای عبادت نبود، بل به‌طور جامع محلی برای مقاصد آموزشی مطرح بوده و به مرور زمان مرکز سازماندهی و برنامه‌ریزی امور مسلمین و بعنوان کانون فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی و نظایر آن محسوب شده است و چون مسجد یکی از نهادهای اجتماعی است بر اثر مرور زمان و با توجه به تغییرات سریع اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کارکردهای این نهاد، تغییر و تحول پیدا کرده است.

مخصوصاً بعد از انقلاب اسلامی ایران مسجد مهم‌ترین نهاد برای سخنرانی‌های سیاسی و برای تجمع و هدایت و سازماندهی مردم و از میان نهادهای اجتماعی، مسجد مهم‌ترین نقش را در پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشت و پس از انقلاب هم مسجد در عین حال که نقش مذهبی

و عبادی خود را حفظ کرده است، کارکرد سیاسی مانند برگزاری انتخابات، تشکیل جلسات شوراهای محله و رای‌گیری برای انتخابات گوناگون مانند انتخاب هیات امناء و شورای محله که در کل، محل حضور مردم بوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن حکومت دینی توجه به این آموزه از اصلی‌ترین برنامه‌های حکومت بوده است. بخصوص که مسئولان جامعه می‌خواستند جوانانی با هویت دینی قوی پرورش دهند. توجه به عمران مساجد دو چندان گردید و از نظر کمی توسعه‌ی مساجد روز افزون شد، هر چند تمامی محلات شهرها دارای مسجد بود.

کارکردهای گوناگون مسجد در طول تاریخ

کارکردهای پر فراز و نشیب مسجد را در طول تاریخ می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد: کاردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و عبادی. هر يك از این کارکردها، ایفاگر نقش‌های گوناگون و متنوعی بوده است به طوری که در کارکرد فرهنگی مسجد می‌توان به نقش آموزشی مسجد و نیز نقش آن در تعالی هنر و تمدن اسلامی اشاره کرد. همچنین در کارکرد اجتماعی مسجد می‌توان به نقش مسجد در اجتماعی شدن افراد و توسعه‌ی ارتباطات میان فردی و نیز در بحث کارکرد سیاسی می‌توان به نقش فعال مساجد در دوره انقلاب و جنگ تحمیلی اشاره کرد.

امروزه با توجه به تخصصی شدن جامعه، بخش اعظم این کارکردها، از قبیل کارکردهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر عهده نهادهای تخصصی گذاشته شده است. با وجود این مسئولان جامعه به منظور فعال و پویا نگه داشتن این نهاد مذهبی کارکردهای جدیدی برای آن تعریف کرده‌اند، در این تعریف آنان جوانان که را در قالب طبقه‌ای به لحاظ شمار و کمیت، جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، به عنوان آینده‌سازان جامعه هدف برنامه‌های خویش قرار داده‌اند. به این ترتیب در تعریف جدید از کارکردهای مسجد در باره‌ی جوانان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - کارکرد آموزشی که با برگزاری کلاس‌های آموزشی در رشته‌های گوناگون درصدد تحقق آن هستند.

۲ - کارکرد تفریحی در چارچوب برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی.

۳ - کارکرد دینی با برگزاری مراسم گوناگون مذهبی.

با توجه به این کارکردها و جایگاه و ارزش مسجد به عنوان نمادی از اسلام، به بررسی نگرش جوانان به مسجد می‌پردازیم. البته در يك تعریف ساده نگرش عبارت است از حالات عاطفی مثبت یا منفی به يك موضوع^۱ در تعریفی دیگر نگرش این‌گونه توصیف شده است: ما نسبت به اشیا و اندیشه‌ها نظریات خاصی داریم که ناشی از اطلاع ما از آنها درخصوص آنها و تمایل ما به اجرای عملی در باره‌ی آنهاست. این‌گونه نظر غالباً حتی تعیین کننده‌ی شیوه‌ی برخورد ما با آن اشیا، اماکن، افراد یا اندیشه‌هاست.

کارکردهای مساجد در دوره‌ی رونق

دوره‌ای که با عنوان رونق مسجد از آن یاد می‌شود، از دوره‌های درخشانی است که رابطه‌ی متقابل مذکور، در آن به شایستگی در خور تشخیص است. در این دوره با اشاعه‌ی بینش سیاسی و اجتماعی در میان روحانیون و گردانندگان مساجد و ورود آنها به بعضی از فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی، افراد جدیدی که عمدتاً از طبقه‌ی جوان بودند، به سوی مسجد جذب و از فضای معنوی مسجد، متأثر شدند. از سوی دیگر باورهای عمیق مذهبی و انگیزه‌های پاک معنوی که در آن زمان روندی رو به رشد داشت، پشتوانه‌ای بزرگ برای شکل‌گیری حرکتی عظیم و انقلابی بود.

۱ - کارکرد معنوی

برگزاری نماز جماعت، جلسات وعظ و غیره.

ایفای کارکرد معنوی مسجد، ضمن این که جریان‌ی مستقل و پایدار به شمار می‌آید، با سایر تحولات و کارکردهای مسجد در ارتباط متقابل بوده است. به این معنا که از يك سو، تقویت انگیزه‌های معنوی، پشتوانه و ذخیره‌ی عظیمی برای پیشبرد نهضت‌ها و انقلاب‌ها در مواقع مقتضی بوده است^۲ و از سوی دیگر، همگام با افزایش فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مسجد، کارکرد معنوی آن نیز تقویت می‌شده است.

۲ - کارکرد سیاسی

به علت نفوذ گسترده‌ی اسلام در جامعه‌ی ما، بسیاری از حرکتی‌های سیاسی و اجتماعی در طول تاریخ، از طریق تشکلهای غیررسمی در مساجد و سایر محافل مذهبی صورت می‌گرفته است. مساجد در دوره‌های گوناگون همواره پایگاه‌های مطلوبی جهت انواع

۱ . گنجی: ص ۹۳ ، ۱۳۸۰ ش .

۲ . در این حالت، کارکرد معنوی در خدمت کارکردهای سیاسی و اجتماعی قرار می‌گرفته است.

فعالیت‌های سیاسی محسوب می‌شده‌اند. در دوره رونق، کارکرد و فعالیت سیاسی مساجد، در نقطه اوج خود قرار داشت.

در دوره‌ی پس از پیروزی انقلاب، مساجد پایگاه سیاسی و سنگر مبارزه بودند. در مراحل مقدماتی یعنی تا قبل از ۱۳۶۵ ش فعالیت‌های سیاسی در مساجد غالباً به شکل غیرعلنی و مخفیانه صورت می‌گرفت.

پس از پیروزی انقلاب، فعالیت‌های سیاسی در مساجد، به دو شکل عمده صورت می‌گرفت: نخست، دعوت از شخصیت‌های مبارز و سابقه‌دار سیاسی برای سخنرانی و برگزاری جلسات بحث و مناظره، و دیگری، فعالیت‌های سیاسی و احیانا نظامی برضد گروه‌ها و دشمنان انقلاب، مساجد در بسیاری از مواقع پایگاه حزبی غیررسمی و طبیعی در مقابل سایر حزب‌های و دسته‌ها بودند. در دوره‌ی جنگ هشت ساله نیز، مساجد با اعزام نیروهای بسیجی و تهیه‌ی نیازمندی‌های جبهه‌ها مهم‌ترین پایگاه پشتیبانی جنگ محسوب می‌شدند.

برپایی جلسات سخنرانی و بحث و مناظره درباره‌ی مسائل انقلاب نیز، عده زیادی از مردم را به سوی مساجد جذب می‌کرد. اغلب جوانان با شرکت در این‌گونه مجامع، هم وفاداری و پایبندی خود را به انقلاب نشان می‌دادند و هم از آخرین اطلاعات و تحلیل‌ها درباره گذشته، حال و آینده انقلاب مطلع می‌شدند.

۳ - کارکرد فرهنگی

مراد از کارکرد فرهنگی، نقشی است که مساجد در جهت افزایش آگاهی‌ها و بینش‌های مردم، در زمینه‌های گوناگون مذهبی ایفا می‌کنند. این کارکرد به دو شیوه اجرا می‌شود:

نخست شیوه سنتی که ضمن برنامه‌های وعظ و خطابه و عزاداری، جلسات قرآن و نظایر آن معارف و احکام و اخلاق اسلامی نیز تعلیم داده می‌شود.

دوم: شیوه‌ی جدید که ارتقای بینش‌های مذهبی از طریق تشکیل کلاس‌های معارف و طرح سلسله مباحث منظم در باره‌ی موضوعات متنوع اسلامی، تشکیل گروه‌های پژوهشی، تأسیس کتابخانه و نوارخانه، برگزاری مسابقات و نمایشگاه‌های کتاب و جز آن صورت می‌گیرد. در شیوه‌ی دوم مخاطبان عمدتاً از قشر جوان هستند و اجرای آن در مقایسه با شیوه‌ی اول، مستلزم تلاش‌های بیشتری، هم از جانب مجریان و هم از جانب مخاطبان است و رواج شیوه‌ی دوم، به دوره‌ای مربوط می‌شود که از بگ سو عده‌ای چشم‌گیری از جوانان متعلق به خانواده‌های مذهبی وارد دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها شدند و از سوی دیگر اشاعه‌ی بینش‌های سیاسی و اجتماعی در محافل مذهبی، موجب شده بود که متفکران مذهبی حوزه و دانشگاه، اسلام را دینی زنده و حیات بخش معرفی کنند.

طبقه‌ی تحصیل کرده‌ی مسلمان در چنان شرایطی می‌توانست با سربلندی و افتخار، خود را وابسته و معتقد به اسلام معرفی کند و پیوسته در جست و جوی زوایای کم‌تر شناخته شده‌ی این مکتب باشد. این طبقه در چنین فضایی، مساجد و کتابخانه‌های آن را محیط مناسبی برای فعالیت‌های فرهنگی تشخیص داد. در این دوره علاقه و گرایش جوانان به مطالعه و پژوهش درباره مسائل عقیدتی، اخلاقی، تفسیر، سیره و تاریخ اسلام، مناظرات میان ادیان و مذاهب و مکاتب و به ویژه مسائل اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی از دیدگاه اسلام پیوسته رو به تزاید بود. این حرکت فرهنگی که حدوداً از سال‌های آخر دهه‌ی چهل شمسی آغاز شد، در مساجدی که امامان جماعت آن‌ها از چهره‌های برجسته‌ی فرهنگی به شمار می‌آمدند، نمایان‌تر بود این شور و اشتیاق در اوایل پیروزی انقلاب نیز به شکلی گسترده مشاهده می‌شد.

۴ - کارکرد اقتصادی و رفاهی

مساجد در کنار کارکردهای معنوی، سیاسی و فرهنگی، متناسب با شرایط هر دوره و در حد توان خود، خدمات اقتصادی و رفاهی نیز داشته‌اند. این خدمات هم به علت آن که وظیفه‌ای دینی و اخلاقی در جهت حل مشکلات مردم محسوب می‌شد و هم از آن رو که وسیله‌ای برای جذب بیشتر افراد از جمله جوانان و نوجوانان به مساجد به شمار می‌آمده‌اند، صورت می‌گرفته است. بعضی از خدمات مذکور شکل دائمی و مستمر داشته‌اند، مانند فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه، تأسیس درمانگاه‌های خیریه، تأسیس شرکت‌های تعاونی محلی یا اجرای برنامه‌های تفریحی و ورزشی و تشکیل کلاس‌های هنری برای جوانان، اما بعضی از این خدمات به سبب نیازهای مقطعی به صورت موقت عرضه شده‌اند.

در کنار خدمات و کارکردهای رفاهی مذکور که گردانندگان مساجد آن را آگاهانه و برنامه‌ریزی شده عرضه می‌کرده‌اند، کارکردهای رفاهی دیگری نیز داشته‌اند که لزوماً آگاهانه و برنامه‌ریزی شده نبوده‌اند. چنین کارکردهایی را معمولاً کارکردهای پنهان می‌نامند. مثلاً مساجد در ارضای نیاز تعلق (ELATEDNESS NEEDR) یا نیاز به مورد علاقه و تأیید و احترام دیگران بودن، کارکرد نیکویی دارند. کسانی که در مساجد جمع می‌شوند نوع خاص از گروه را تشکیل می‌دهند که از جهت عقیده و مسلک و ارزش‌ها و گرایش‌ها با هم مشترک‌اند و میان آنها همبستگی وجود دارد، پس فردی که در مسجد حاضر می‌شود خود را در میان جمعی می‌بیند که «خودی» هستند؛ و رفتار و حرکات‌شان حاکی از علاقه، تأیید و احترام آنان به ایشان است؛ به همین جهت، نوعی رضای خاطر در خود احساس می‌کند و از همین روست که گفته می‌شود مساجد در ارضای نیاز تعلق، نقشی مهم ایفا می‌کنند.

«مالینوفسکی» این‌گونه نیازها را که نتیجه تلاش‌ها، تجربه‌ها و آگاهی‌های فزاینده بشری و توسعه‌ی زندگی اجتماعی است، «نیازهای ثانوی فرهنگی» می‌نامد، که برخلاف محدودیت نیازهای اولیه، این دسته از نیازها بسیار متعدد و متنوع و پیوسته در حال رشد هستند. یعنی دقیقاً به موازات تحولات اجتماعی در عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره این‌گونه نیازها هم ایجاد می‌شوند و توسعه می‌یابند.

تیین پدیده‌ها براساس نیازها باید تحت ضوابط و شرایطی ویژه صورت گیرد. باید توجه کرد که پدیده‌های مورد تبیین ممکن است از نوع رفتار و شیوه عمل یا از نوع سازمان و مؤسسه باشد، در هر دو مورد باید ببینیم که آن شیوه عمل یا آن سازمان، به چه نیازهایی پاسخ می‌دهد، به عبارت دیگر، وجود چه نیازهایی در رواج آن شیوه‌ی عمل یا در پیدایی و بقای آن سازمان یا جایگاه مؤثر بوده است.

در این جا صراحتاً می‌توان گفت که ما منکر این نیستیم که بعضی از پدیده‌های اجتماعی، نیازهای خاصی را پاسخ می‌دهند، بدون این که عواملان و افراد مشارکت کنند. نیاز مذکور را احساس می‌کنند، بدون آنکه به گونه‌ای آگاهانه در ایجاد یا بقای آن پدیده مشارکت داشته باشند برعکس، معتقدیم که بسیاری از پدیده‌های اجتماعی کارکردهای مفیدی دارند که نمی‌توان کارکردها را به انگیزه‌ی آگاهانه‌ی مشارکت‌کنندگان نسبت داد.

علل کاهش حضور مردم در مساجد

در تبیین پدیده‌ی کاهش حضور مردم در مساجد، از يك سو با کارکردهای مسجد به مثابه سازمانی اجتماعی مواجه‌ایم و از سوی دیگر با انسان‌های کنش‌گری که با توجه به نیازهای خود درباره‌ی حضور یا غیبت در مسجد تصمیم می‌گیرند.

بر این مبنا کاهش حضور مردم در مسجد را به سه عامل کلی می‌توان مربوط دانست:

۱) مقطعی بودن بعضی از نیازهایی که مسجد در دوره‌ی رونق خود پاسخ‌گوی آنها بوده است.

۲) تغییر در تعادل نیازی یا ارزشی مردم به‌گونه‌ای که در برابر نیازهای متعالی و جمعی که مسجد عهده‌دار پاسخ‌گویی به آنها بوده است، احساس کمبود نمی‌کرده‌اند.

۳) ترجیح مردم به ارضای نیازهای فرهنگی، معنوی، سیاسی و رفاهی خود به طریقی غیر از حضور در مسجد به علت. توانایی‌های مسجد یا پیدایی نهادها و سازمان‌های جایگزین.

با توجه به جایگاه خطیر مسجد در طول تاریخ اسلام و نقش ویژه‌ی آن در انقلاب، کیفیت و کمیت حضور مردم در مساجد، از دیدگاه مسئولان نظام اسلامی و به‌طور کلی هر انسان متعهد و وفادار به اسلام و انقلاب، مسئله‌ای بسیار اساسی تلقی می‌شود. آن چه انتظار می‌رود این است که جوانان حضوری فعال، انبوه و متراکم در مساجد و فعالیت‌های متنوع آن داشته باشند. اما مشاهدات تجربی، اظهارات گردانندگان امور مساجد و مصاحبه‌های اکتشافی اولیه با تنی چند از مردم عادی و بعضی از افراد فعال در مساجد نشان داد که حضور مردم در مساجد، در قیاس با سال‌های شکل‌گیری انقلاب (۵۷ - ۵۶) و نیز سال‌های پس از پیروزی انقلاب (۶۰ - ۵۸) کاهش یافته است.

بنابراین فعال یا غیرفعال بودن مساجد، هم به کارکردهایی که این سازمان در روند فعالیت تاریخی خود بر عهده داشته بستگی دارد و هم به انتخاب‌ها و ترجیحات مردم و مبنای ارزشی آن انتخاب‌ها و ترجیحات.

الگوی نظری دیدگاه مالیونوفسکی براین اساس استوار است که پدیده‌های اجتماعی باید به اعتبار نیازهای زیستی فردی و نیازهای ثانوی فرهنگی تبیین شوند.^۳ منظور از نیازهای زیستی فردی، نیازهای اولیه‌ای است که خاستگاه آن‌ها، ویژگی‌های طبیعی انسان و ترکیبات خاص جسمی و روحی اوست. مانند نیاز به آب، غذا، امنیت، احترام، نیازهای جنسی و غیره بشر برای تامین این نیازها از بدو خلقت تاکنون همواره تلاش کرده و با استفاده از نیروی فکر و تخیل، پیوسته در پی راه‌هایی برای ارضای بهتر و آسان‌تر این نیازها بوده است اما خود این تلاش‌ها و تجربه‌های جمعی برای کشف ابزارها و شیوه‌های نوعی زندگی، به خلق نیازهای جدید نیز منجر شده‌اند.

جامعه و تعادل نیازی

تعادل نیازی در هر فرد بر مبنای تجارب و رویدادهای ویژه‌ی زندگی او و نیز متأثر از محیط اجتماعی و فرهنگی که در آن قرار دارد، شکل می‌گیرد و متحول می‌شود. تغییر در تعادل نیازی به آرامی صورت می‌گیرد، به همین علت می‌توان ثبات نسبی را در آن مشاهده نمود. آن چه در این بحث مورد نظر است، آن دسته از عوامل اجتماعی است که بر تعادل نیازی اثر می‌گذارد و تغییراتی در آن پدید می‌آورد.

در هر جامعه نهادهای اجتماعی کننده‌ای مانند خانواده، مدرسه محیط‌های شغلی رسانه‌های جمعی و نظر آن فعال‌اند وجود دارند که از طریق آگاه‌سازی و تبلیغ یا مجازات و تشویق، تعادل نیازی را تحت تاثیر قرار می‌دهند و رتبه و جایگاه هر يك از نیازها یا ارزش‌ها را که در جهت آن از نظر این نهادها مطلوب است، دگرگون می‌کنند. همچنین عملکرد نخبگان جامعه و گروه‌های مرجع در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، نمایشی از تعادل نیازی آنهاست و از آن جا که سایر طبقات تا حد زیادی متأثر از این طبقه هستند، در این زمینه نیز تحت تاثیر واقع می‌شوند. به علاوه ساخت عینی جامعه، یعنی شرایط و موقعیت‌های گوناگون اجتماعی نیز امکان دارد که بر تعادل نیازی مؤثر باشد پدیده‌های اجتماعی، به تحول در نیازها و تحول نیازها به ساخت عینی یا ذهنی جامعه ارجاع می‌گردد.

مقطعی بودن بعضی از نیازها و کارکردها در دوره دوم

می‌توان گفت که کاهش حضور مردم در مساجد تا اندازه‌ای به این علت بوده است که در دوره‌های خاصی، مساجد پاسخ‌گوی نیازهایی بوده‌اند که اکنون یا آن نیازها رفع شده‌اند یا میزان آن‌ها کاهش یافته است. وقتی يك پدیده معلول نیاز معینی باشد، با از میان رفتن آن علت پدیده‌ی منبعت از آن نیز از میان خواهد رفت.

اندکی پس از پیروزی انقلاب توطئه‌های عظیمی به صورت فعالیت‌های سیاسی و گاه درگیری‌های مسلحانه برضد انقلاب شکل گرفت. حساس‌ترین و پر خطرترین این دسیسه‌ها تجاوز عراق به ایران و اشغال بخشی از مناطق مرزی بود. این توطئه چینی‌ها که احتمال داشت اساس انقلاب را به خطر اندازد، برای مردم فداکاری که در راه پیشبرد انقلاب ایثارگری‌ها و جان‌فشانی‌ها کرده بودند ضرورتی مقطعی و نیاز جمعی فوری پدید آورد؛ دفع و سرکوبی این توطئه‌ها و پاسداری از دست آورده‌های انقلاب» در این جا نیز مساجد، پایگاه بزرگ دینی و مردمی برای چنین تلاش مقدسی بودند.

از جمله کارکردهای مقطعی مساجد، برقراری امنیت و آرامش روانی در مواقع خطیر و بحرانی بود. حضور مردم در مساجد در روزهای اوج انقلاب و چه در دوره‌های بحرانی پس از آن^۴ فقط به منظور پیشبرد یا حفظ انقلاب نبود، بل این حضور یا بخشی از انگیزه‌های این حضور با کارکرد مساجد در برقراری تعادل روانی و ارضای نیاز به امنیت نیز ارتباط داشت. افزایش حضور در مساجد به هنگام بحران‌ها و آشفتگی‌های سیاسی در کشورهای دیگر نیز تجربه شده است؛ از جمله در باره‌ی پاکستان گفته شده است که «حضور مردم در مساجد برای برپایی نمازهای روزانه در زمان جنگ با هند در سال ۱۹۶۵ م به دو برابر رسیده است».^۵ با سپری شدن دوره‌های خطر و بحران و بی‌ثباتی، این کارکرد مساجد و انگیزه‌های مرتبط با آن نیز منتفی شد.

^۳ . باتومور: ۳۱ .

^۴ . دوره جنگ و موشک باران و فعالیت تروریستی گروه‌ها.

^۵ . اطلاعات ۱۳۶۶/۹/۲ .

تغییر در تعادل نیازی

اگر مساجد بتوانند پاسخ‌گوی بعضی از نیازهای مردم باشند، اما آن نیازها در تعادل نیازی مردم جایگاهی مهم نداشته باشد، ایفای آن کارکرد، اثر مهمی در استقبال و حضور مردم نخواهد داشت. به نظر می‌رسد که بخشی از علل کاهش حضور مردم در مساجد را می‌توان از این زاویه مشاهده کرد. پیش‌تر گفته شد که کارکردهای معنوی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و رفاهی مساجد، پاسخ‌گوی نیازهای متعالی، جمعی و رفاهی بوده است. بحث کنونی ما به کارکردهای معنوی، سیاسی و فرهنگی مساجد که پاسخ‌گوی نیازهای متعادل و جمعی هستند، اختصاص دارد.

اگر در دوره‌ی رکود، شاهد کاهش نسبی حضور مردم در مساجد بوده‌ایم، بخشی از علل این پدیده را باید در کاهش اهمیت نسبی نیازهای متعالی و جمعی در تعادل نیازی یا تعادل ارزشی عده‌ای از افراد جست‌وجو کنیم. از نظر این‌گونه افراد فعالیت‌های معطوف به اهداف رفاهی، نظیر اشتغال به کاری درآمدزا، رفتن به گردش و تفریح و شب‌نشینی، مشاهده‌ی برنامه‌های جذاب تلویزیون ویدئو و سینما در مقایسه با کنش‌هایی مانند شرکت در نماز جماعت، گوش دادن به سخنرانی یا مضمون اخلاقی یا اعتقادی، مرادوت با نیاکان یا شرکت در فعالیت‌های اجتماعی مساجد، با ارزش‌تر تلقی می‌شده است.

این عوامل به خارج از حیطه‌ی مسجد مربوط می‌شود و در واقع، تأثیر جامعه‌ی کل را بر تعادل نیازی و ارزشی افراد و سپس بر میزان حضور آن‌ها در مساجد آشکار می‌سازد.

فاصله واقعیت‌ها و آرمان‌ها

اگر پس از پیروزی اولیه انقلاب، جامعه همچنان به‌گونه‌ای محسوس به سوی هدف‌ها و آرمان‌های از قبل تعیین شده پیش می‌رفت، نشان از دلیستگی و اشتیاق مردم به اهداف و آرمان‌های مذکور با همان شدت و قوت روزهای نخستین داشت، اشتیاقی که موجب می‌شد برای تحقق اهداف جمعی از اهداف رفاهی خود چشم‌پوشند، اما به موازات دور شدن واقعیت‌های جامعه از آن اهداف و آرمان‌ها بدیهی است که علاقه و اعتقاد مردم نیز به آن اهداف و ایده‌آل‌ها به تدریج کاهش خواهد یافت و علایق رفاهی به جای آن‌ها تقویت گردد.

انتظار مردم پس از آن همه تلاش‌ها و ایثارگری‌ها این بود که با پیروزی انقلاب معیارها، ارزش‌ها، شعائر و سایر مظاهر اسلامی در کلمه ارکان و اجزای حکومت و به‌طور کلی در سطح جامعه حاکم گردد. آن‌ها آرزو داشتند که در جامعه‌ی پس از انقلاب، مواردی از قبیل ظلم و حق‌کشی و فساد اخلاقی و نظایر آن، ریشه کن شود یا به کم‌ترین حد ممکن تنزل یابد و جامعه‌ی انقلابی با مصون ماندن از آفت‌های مذکور، به سوی رشد و شکوفایی و توسعه‌ی همه‌جانبه حرکت کند و نمونه‌ی مطلوبی از جامعه‌ی سالم و مترقی را در معرض دید توده‌های مسلمان سراسر دنیا قرار دهد.

اگرچه اقدامات اصلاحی بسیاری صورت گرفت، اما به تدریج مواردی از نابسامانی‌ها و انحرافات مذکور در جامعه ظاهر شد و نهایتاً آن چه تحقق یافت با انتظارات مردم، فاصله‌ی چشم‌گیری داشت.

در شرایطی که افراد به اهداف و نیازهای جمعی علاقه و کشش‌ی ندارند، هیچ یک از فعالیت‌های مسجد که در جهت ایفای کارکرد سیاسی خویش و حفاظت از انقلاب و پیشبرد اهداف نظام انجام می‌دهد، نظیر برپایی جلسات سخنرانی، مناظره، میزگرد، پاسخ به پرسش‌های مردم با شرکت مسئولان، تشکیل شوراهای محلی جهت انعکاس معضلات مردم و پی‌گیری روند آن فعالیت‌های عمرانی و فرهنگی، تأثیری فراوان بر جلب آن‌ها به سوی مسجد و حضور در آن نخواهد داشت.

فقر و افزایش سطح انتظار از زندگی

افرادی که در تهیه‌ی حداقل امکانات زندگی به هر علتی با مشکل مواجه هستند، معمولاً همه‌ی ظرفیت و توان خود را در امور معیشتی به کار می‌گیرند و حتی گاه ناگزیرند دو یا سه شغل داشته باشند. از آن جا که بخش اعظم نگرانی و دل‌مشغولی این افراد معطوف به نیازهای رفاهی است، اعتنای کمتری به نیازهای متعالی و جمعی نشان می‌دهند. البته این سخن هرگز به این معنا نیست که همه‌ی افرادی که در شرایط فقر و تنگدستی به سر می‌برند، علاقه‌ی خود را به ارزش‌های متعالی و جمعی از دست می‌دهند، بل تأکید بر این نکته است که حتی در شرایط فقر و تنگدستی

نیز می‌توان با تمهیدات اجرایی و تبلیغی خاص، تعادل نیازی افراد را به‌طور نسبی حفظ کرد و مانع از بی‌توجهی آنها به نیازهای متعالی و جمعی شد. البته عامل دیگری که مانع از دل‌بستگی به ارزش‌ها و نیازهای متعالی و جمعی است، افزایش سطح انتظار مردم از زندگی است. به عبارت دیگر، گاه افراد به‌رغم نداشتن مشکلات معیشتی، صرفاً به علت بالا بودن سطح انتظاراتشان از زندگی، همه‌ی نیرو و تلاش خود را برای دستیابی به سطح مطلوب زندگی از نظر خویش به کار می‌برند. بالا رفتن سطح انتظار اگرچه با مسئله‌ی فقر متفاوت است، اما از این جهت که افکار، علایق و تلاش‌های انسان را عمدتاً به نیازهای رفاهی معطوف می‌کند و انگیزه‌های متعالی و جمعی را به سود انگیزه‌های رفاهی ضعیف می‌نماید، تفاوتی با پدیده‌ی فقر ندارد.

کم‌ترکی نهادهای فرهنگی و تبلیغی به موازات افزایش هجوم فرهنگی پدیده‌های دیگری مانند هجوم فرهنگی بیگانگان و نارسایی‌های موجود در عملکرد نهادهای فرهنگی و تبلیغی نیز در تغییر تعادل نیازی و ارزشی افراد مؤثر بوده است. از جمله هدف‌های مهم هجوم فرهنگی که به شیوه‌های متنوع پی‌گیری و اجرا می‌شود، تضعیف ارزش‌های متعالی و جمعی و تقویت انگیزه‌ها و ارزش‌های رفاهی است؛ چرا که ارزش‌های متعالی و جمعی از عواملی اساسی شکل‌گیری انقلاب اسلامی و استمرار آن تاکنون بوده است. انتظار این بوده است که نهادهای تبلیغی و فرهنگی با به‌کارگیری کارشناسان متخصص و متعهد و بهره‌گیری از دست‌آوردهای برخی از رشته‌های علمی مانند روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی ارتباطات و اتخاذ شیوه‌های علمی و کارآمد تبلیغی و فرهنگی، تعادل نیازی مردم را به سمتی هدایت کنند که نیازهای متعادلی و جمعی تقویت گردد.

تغییر در شیوه‌ی ارضای نیازها دگرگونی در شیوه‌ی ارضای نیازهایی که مسجد عهده دار آن بوده است و تمایل مردم به این که همه یا بخشی از آن نیازها را به طرق دیگری تأمین کنند، موجب کاهش حضور آنها در مسجد خواهد بود که منشأ ترجیح مذکور دو چیز است:

- پیدایی سازمان‌های جایگزین اندکی پس از پیروزی انقلاب، در جامعه‌ی ما به تدریج نهادها، سازمان‌ها و مراکز پدید آمدند که به تدریج جانشین مسجد در ایفای بعضی از وظایف و کارکردهای آن شدند. از آنجا که با ایجاد و شکل‌گیری این سازمان‌ها و مراکز رفته‌رفته کارکردهای مسجد، که خود عاملی مؤثر برای حضور جوانان در این مکان بود، کاهش یافت. تأسیس مراکز مانند دفاتر و سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه‌های جدید علوم دینی و راه‌اندازی نشریات مذهبی جدید، نهادها و مراکز فرهنگی دیگری از قبیل مدارس، دانشگاه‌ها، صدا و سیما و مطبوعات نیز با تغییراتی که در اهداف، برنامه‌ها و شرح وظایف آنها پدید آمده بود، نقشی مؤثر در ارتقای فرهنگ مذهبی برعهده گرفتند. این نهادها و مراکز که در سطح ملی یا منطقه‌ای فعالیت می‌کردند، در قیاس با مساجد که قلمرو فعالیت‌شان عمدتاً به یک محله محدود می‌شد - از امکانات و مزایای بیشتر و به ویژه از توان بالاتری جهت جذب نیروهای فرهنگی کارآمد برخوردار بودند؛ لذا بسیاری از افرادی که به فراگیری و پژوهش در معارف دینی علاقه داشتند و پیش از آن، عمدتاً مسجد پاسخ‌گوی نیازهای فرهنگی آنها بود، ترجیح دادند که همه یا بخشی از نیازهای خود را از طریق مراکز یاد شده تأمین نمایند. در مجموع می‌توان گفت با توجه به این که کنش‌های انسان را غالباً انگیزه‌های متعددی حمایت می‌کنند که از جهت اهمیت و قدرت برانگیزندگی با هم متفاوت‌اند، در صورت ضعیف شدن یک یا چند انگیزه، تمایل به اجرای آن کنش کاهش خواهد یافت. کنش حضور در مسجد نیز از همین قاعده پیروی می‌کند، یعنی با سازمان‌های جانشین و انتقال کارکردهای فرهنگی، سیاسی و رفاهی مساجد به آنها تمایل افراد برای حضور در مسجد کاهش می‌یابد.

علل کاهش توان کارکردی مسجد و رفع آن کاهش توان کارکردی مساجد در جامعه ما عمدتاً ناشی از این مسئله بوده است که مسئولان و کارگزاران بسیاری از مساجد و به ویژه ائمه جماعات از توانایی‌ها و شایستگی‌هایی که لازمه‌ی ایفای مسئولیتشان بوده است، در حد مطلوب برخوردار نبوده‌اند.

یکی از شرایط بسیار ضروری جهت ایفای مطلوب کارکردهای معنوی، فرهنگی و سیاسی در مسجد، آگاهی به مقتضیات زمان است. کشف نیازها و مقتضیات هر زمان، فقط در پرتو هوشمندی و درگیری نزدیک با واقعیت‌های زندگی و آشنایی با ویژگی‌های شخصیتی طبقات گوناگون به ویژه طبقه‌ی جوان و تحصیل کرده حاصل می‌شود. با اجرای سخنرانی‌ها و برنامه‌های یکنواخت و فاقد نوآوری، نمی‌توان نیازهای فرهنگی و فکری مخاطبان را اشباع نمود، بل باید به نیازها و علایق متنوع مخاطبان و پرسش‌ها و ابهامات مذهبی که در اذهان آن‌ها جوانه می‌زند به دقت توجه کرد. در دوره‌ی اخیر طبقات تحصیل کرده‌ی مذهبی بیش از سایر طبقات با پرسش‌های جدید رو به رو بوده‌اند که متأسفانه تاکنون مراکز دینی از جمله مساجد تلاش جدی و مناسبی برای پاسخ‌گویی اصولی به پرسش‌ها و ابهامات مذکور از خود نشان نداده‌اند. بسیاری از گردانندگان مساجد، توانایی و شرایط کافی برای ایفای کارکرد سیاسی مسجد ندارند. در صورتی که مسجد می‌تواند با آگاه ساختن جوانان در هر زمینه و دخیل کردن آنان در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و برقراری پل ارتباطی میان مردم و مسئولان، گام‌هایی مفید به منظور حل مشکلات مذکور بردارد، اما ایفای چنین کارکردی مستلزم وجود افرادی است که مشکلات و اولویت‌های دوره‌ی خویش، موقعیت سیاسی و اجتماعی جامعه، شیوه‌های آگاه‌سازی مردم و جلب همکاری ایشان را به خوبی بشناسند. اما در حال حاضر شمار بسیار محدودی از کارگزاران مسجد چنین ویژگی‌هایی دارند.

نبود سعه‌ی صدر، بلند نظری و جامعه‌نگری در میان بسیاری از کارگزاران مساجد از جمله دیگر عوامل موثر در کاهش توان کارکردی مسجد است. مسئولان مساجد به ویژه ائمه‌ی جماعت، جهت توفیق هر چه بیشتر باید با مخاطبان خود از جمله جوانان رفتاری احترام‌آمیز و بزرگووارانه داشته باشند و از هرگونه رفتار تند و تحقیرآمیز خصوصاً با جوانان پرهیز کنند. همچنین مسجد باید پذیرای متدین و متعهد پویا و آشنا با سلیقه‌های فکری و احیاناً گرایش‌های سیاسی جوراجور باشد. کارگزاران مسجد باید از دامن زدن به اختلافاتی که میان گروه‌ها و جناح معتقد به اسلام و نظام بروز می‌کند و ایجاد هرگونه درگیری و تشنج به این علت که موجب هرز رفتن نیروها و امکانات و جلوگیری از اقدامات سازنده می‌شود، تا آن جا که امکان دارد پرهیز کنند. اما متأسفانه آنچه از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون شاهد بوده‌ایم، بعضی رفتارهای خشونت بار و تحقیرآمیز همراه با تنگ نظری‌ها، گروه بازی‌ها و بی‌درایتی‌ها بوده که سبب رانده شدن برخی از عوامل متعهد و ایجاد تنش و ستیزه و نهایتاً تضعیف توان کارکردی مسجد شده است.

به علاوه برخی عملکردهای نامناسب و رفتارهای حاکی از نداشتن صداقت، ناخالصی و بی‌تقوایی عده‌ای از گردانندگان مسجد و یا کسانی که مسجدی شناخته می‌شوند، موجب شده تا به ارزش معنوی مسجد آسیب وارد آید و کفایت و صلاحیت آن نهاد در ایفای مسؤولیت‌هایی که برعهده دارد؛ مورد تردید واقع شود و مردم از جمله جوانان حتی اگر انگیزه و علایق معنوی و فرهنگی داشته باشند، تمایلی به حضور در مسجد از خود نشان ندهند و این‌گونه نیازها را به‌طور انفرادی یا از طریق سازمان‌های جانشین ارضا کنند.

ویژگی‌های مسجد نمونه

الف) ویژگی‌های عبادی مسجد نمونه برترین و اصیل‌ترین محفل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال.

ب) ویژگی‌های تربیتی مسجد نمونه - مسجد گرد ملال و اندوه را از چهره‌ی جان بزدايد - و شادمانی، نشاط و تکامل روحی را جانشین آن کند.

ج) ویژگی‌های فرهنگی - آموزشی مسجد نمونه - پیش از پیدایش مدارس، مسجد یگانه مرکز مهم آموزش فرهنگ در کشورهای اسلامی بوده است.

د) ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی مسجد نمونه مسجد در ارتباط با مسائل اساسی و بنیادین جامعه، نهادی مؤثر و دارای موضع است.

نکاتی چند در باره‌ی ابعاد فرهنگی مسجد نمونه

مسجد، کانون رایزنی و مشورت - مشورت و مراجعه به آرای عمومی در مسائل اجتماعی، نقشی به سزا در تکامل جامعه دارد و در جایگاه اصیل خویش محل رایزنی‌های سیاسی اجتماعی است.

مسجد و تعاون اجتماعی: برپایی نماز جماعت در مساجد همکاری و تعاون مسلمانان با تقوا برشمرده شده است.

مسجد و احیای ارزش‌ها: در مسجد منحصرأ ارزش‌های حقیقی مطرح است (ایثار، تقوا و جز آن).

مسجد و وحدت اجتماعی: مسجد عامل اساسی سلامت و بقای اصیل وحدت و همدلی را در جامعه استوار می‌کند.

مسجد و پاسداری از عدالت: مسجد اصیل‌ترین عاملی است که باید به زیور عدالت آراسته باشد.

مسجد و حکومت: مسجد همواره با حکومت‌های ناصالح و فاسد در ستیز و مبارزه بوده است.
مسجد و امر به معروف و نهی از منکر: مسجد پایگاه جوانمردی است و در برابر تعرض به مقدسات دینی بر می‌آشوبد و عرصه را بر متجاوزان به حریم دین تنگ می‌کند.

نتیجه‌گیری

عوامل مؤثر بر کاهش حضور در مساجد، تحت سه عنوان کلی: مقطعی بودن بعضی از نیازها، تغییر در تعادل نیازی و تغییر در شیوهی ارضای نیازها بررسی شد، عامل نخست یعنی مقطعی بودن نیازها اشاره به اختصاص آن‌ها به دوره‌ای معین دارد و این که نمی‌توان و نباید آن‌ها را به همان شکل سابق احیا کرد. همچنین بیانگر تأثیر نیازهای ایجاد شده بر رونق مسجد به مثابه مناسب‌ترین سازمانی است که می‌توانسته آن نیازها را پاسخگو باشد. بنابراین، بخشی از پدیده کاهش حضور مردم در مساجد عادی و بدیهی است و از آن گریزی نیست.

عامل دوم یعنی تغییر در تعادل نیازی و تفوق نیازهای رفاهی بر نیازهای جمعی و متعالی خود متأثر از متغیرهای کلان دیگری است که به جامعه‌ی کل مربوط می‌شود مانند فاصله‌ی واقعیت‌های جامعه با آرمان‌های پیشین مردم، فقر و افزایش سطح انتظار مردم از زندگی، و نهایتاً کم‌ترکی نهادهای تبلیغی و ارشادی در تنظیم تعادل نیازی. این عامل نه فقط بر کاهش حضور مردم در مساجد مؤثر بوده، بل بسیاری از جنبه‌های مهم حیات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن‌ها را دستخوش تخریب کرده است؛ لذا ضروری است با مداخله در متغیرهایی که موجب تغییر در تعادل نیازی و ارزشی مردم می‌شوند، جهت‌گیری این تعادل را به سوی برتری نسبی نیازها و ارزش‌های جمعی و متعالی تغییر دهیم.

عامل سوم یعنی تغییر در شیوهی ارضای نیازهای ناشی از پیدایی سازمان‌های جانشین و کاهش توان کارکردی مسجد و در نتیجه افزایش تمایل مردم به تأمین نیازهای جمعی و متعالی به شیوه‌ای غیر از حضور در مسجد است.

آن بخش از کاهش حضور مردم در مساجد که به پیدایی سازمان‌های جانشین مربوط می‌شود، بازتاب فرآیندی عادی است که همراه با پیچیده‌تر شدن جوامع بروز می‌کند و موجبات هیچ‌گونه نگرانی را درباره‌ی این که چرا مردم نیازهای غیررفاهی خود را از طریق دیگری تأمین می‌کنند، فراهم نمی‌آورد. لذا نباید به منظور افزایش حضور مردم در مساجد، سازمان‌های جانشین مانند مطبوعات، صدا و سیما، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و نظایر آن را تضعیف نمود. اما بخشی از کاهش حضور مردم در مساجد که به کاهش توان کارکردی مساجد ارتباط می‌یابد، حاکی از خلاها و کاستی‌هایی است که باید در پی رفع آنها بود. بدیهی است برای نیل به هدف، مساجد باید فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی خود را ارتقا دهند و بر جاذبه‌های آن بیفزایند. تشریح موضوعات فرهنگی مرتبط با نیازهای عینی جامعه به کمک سخنرانان مذهبی، تمهید شرایط مناسب برای مطالعه، با برگزاری مناظره، میزگرد، سخنرانی و تشکیل کلاس‌های مناسب جهت بهره‌مندی مخاطبان عام و خاص و غیره فعالیت‌هایی است که بر توان کارکردی مسجد می‌افزاید.

افزودن جاذبه‌ی مسجد با توسل به شیوه‌هایی چون برگزاری کلاس‌های هنری و علمی، تأسیس مکان‌های مناسب ورزشی، تنظیم برنامه‌های ویژه‌ی کوهنوردی و شنا، برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی، نمایش فیلم و تئاتر تأسیس مهد کودک در ساعات فعالیت مسجد، مراعات دقیق نظافت در مسجد و امثال آن ممکن خواهد بود، البته مؤثرترین عامل در افزایش توان کارکردی مسجد، باری خواستن از امامان جماعت شایسته، کارآمد، با خلوص، فعال، خوش رفتار، متواضع، دارای سعه صدر و توانمند در برقراری ارتباط صمیمی با طبقات جامعه و آشنا به شیوه‌های مؤثر تبلیغ است.

نکته‌ی مهم در تقویت توان کارکردی مساجد، تمرکز بر ایفای آن دسته از کارکردهایی است که از عهده‌ی سازمان‌های رقیب بر نمی‌آید. برای مثال: رسانه‌های مکتوب و تصویری به رغم پوشش فراگیری که دارند، نمی‌توانند ارتباط چهره به چهره با مخاطبان خود برقرار کنند؛ اما مساجد با برخورداری از این امتیاز می‌توانند کارکردهای منحصر به فرد و رقابت‌ناپذیر به ویژه در زمینه‌های تربیتی، داشته باشند.

برای این که مسجد در قالب نهادی مهم و اجتماعی همیشه پایدار باشد باید از ابعاد گوناگون مانند امکانات کتابخانه‌ای و سالن مطالعه، سطح سواد و اطلاعات علمی امام جماعت و وضع بهداشت مسجد و امکاناتی مانند اینترنت و رایانه مجهز باشند تا بتوانند پاسخ‌گوی نسل جوان که حدوداً ۷۰ درصد جمعیت و زیر ۳۰ سال هستند پاسخ‌گو باشد و در نتیجه موجب حفظ دوام و بقای این نهاد گردد و نگرش مردم به ویژه جوانان و نوجوانان به مسجد را از ابعاد گوناگون افزایش دهد.

در پایان باید گفت: مساجد بیش از پیش به نقش‌آفرینی و تحول‌سازی در سطوح جامعه، در ادوار گذشته پرداخته است که هر قدر این فعالیت‌ها و کارکردها از تنوع بیشتری برخوردار گردد، از زمینه‌ی جذابیت و اقبال بیشتری برخوردار خواهد بود و با استقبال گسترده‌تری از سوی

کلیه‌ی گروه‌های جامعه به‌ویژه جوان و نوجوان روبرو خواهد بود.

فهرست منابع

- ۱ - نوبهار، رحیم، *مسجد نمونه*، انتشارات ستاد اقامه نماز ۱۳۷۵ ش .
- ۲ - موظف رستمی، محمدعلی، *آیین مسجد*، جلد اول، انتشارات گویه ۱۳۸۱ ش .
- ۳ - موظف رستمی، محمدعلی، *آیین مسجد*، جلد دوم انتشارات گویه ۱۳۸۱ ش .
- ۴ - موظف رستمی، محمدعلی، *آیین مسجد*، جلد سوم، انتشارات گویه ۱۳۸۱ ش .
- ۵ - مکی السیاعی، محمد، «مترجم: شکوهی، علی» *نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی*، گروه انتشارات: سازمان مدارك فرهنگي انقلاب اسلامي ۱۳۷۳ ش .
- ۶ - «فصلنامه‌ی فرهنگی، اجتماعی و هنری» دارالارشاد اردبیل، بهار ۱۳۸۴ ش .
- ۷ - «فصلنامه‌ی فرهنگی، اجتماعی و هنری» دارالارشاد اردبیل، تابستان ۱۳۸۳ ش .
- ۸ - بهشتی، محمود سلامتی تن و روان، انتشارات پارسایان، ۱۳۷۹ ش .